

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

انجنیر سید مختار دریا

۱۲ دسمبر ۲۰۱۸



عطر تن

عطر تنت به بستر من جاودانه بود
جان می گرفت جسم من از گرمی تنت
آن رازها و لغزش لبها به روی هم
مینای گردنت به صراحی به طعنه گفت
مارا دگر نیاز به خمخانه نیست نیست
ما شور آتشین ز جگر بر لب آوریم
در تار و پود هستی ما صد ترنم است
عریان ز هر حجاب تعلق به عالمیم
دریا سر از دریچه لاهوت می کشید
آوای تو به گوش دلم عاشقانه بود
بر دور پیکرت تن من پیچکانه بود
نوشی ز دُرد ساغر و جام زمانه بود
خمخانه ای تو این دو سه رنگین پیاله بود؟
این طرز طعنه بر رخ خم تازیانه بود
مستانه خلقتیم و خم و می بهانه بود
وجد و سماع ما اثر یک ترانه بود
کریاس کسوت تن ما عارفانه بود
گر خلقتش نه ز آب و گل آن زمانه بود

"مختار دریا" کانادا